

## عمل به علم، باعث می شود خداوند علم به مجهولات را به انسان عطا کند

اگر شما به علم خود عمل کنید، خدا هم بر علم شما می افزاید و علم آنچه را نسبت به آن جاهل هستید؛ به شما اعطا می کند.



اگر شما به علم خود عمل کنید، خدا هم بر علم شما می افزاید و علم آنچه را نسبت به آن جاهل هستید؛ به شما اعطا می کند.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه: زندگی انسان ساحت های مختلفی دارد که انسان مؤمن همانطور که از اسمش پیداست باید در هر کدام از آن ها ایمان خود را ظهور و بروز دهد. در ساحت های فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، هنری، اعتقادی، اخلاقی، علمی، اقتصادی و جسمی. بروز ایمان نیز در این ساحت ها چیزی نیست جز تقوا. یعنی فرد در همه این ابعاد زندگی نظر خدا و رضایت او را محور قرار دهد. امام صادق (ع) درباره وظیفه شیعیان فرموده است: «کونوا لنا زینا ولا تکونوا لنا شیناً» زینت و سبب افتخار ما باشید نه اینکه باعث شرمندگی ما باشید. در این راستا حضرت علی (ع) می فرماید: «اعیونی بورع واجتهاد و سداد» سعی کنید تقوا و ورع داشته باشید. در این راه تلاش کنید و استقامت داشته باشید. آنچه پیش رو دارید گزیده ای از سخنان آیت الله مصباح یزدی؛ در دفتر مقام معظم رهبری است که در سال ۸۷ ایراد کرده اند. بخش چهارم آن را باهم می خوانیم:

نوف بکالی اوصاف شیعیان را از زبان امیرالمؤمنین (ع) این گونه ادامه می دهد: قَدْ قَرَنَ الْعَمَلَ بِالْعِلْمِ وَالْعِلْمَ بِالْحِلْمِ؛ در این عبارت حضرت امیر (ع) دو موضوع را مطرح فرموده اند: ۱- ارتباط علم با حلم، و لزوم توأم بودن آنها با یک دیگر؛ در این باره پیش از این، در توضیح عبارت خُلَمَاءُ عُلَمَاءُ گفتم و گو کردیم. ۲- ارتباط علم و عمل

### ارتباط علم و عمل

در روایات فراوانی موضوع ارتباط بین علم و عمل به صورت های مختلف بیان شده و معانی مختلفی نیز ممکن است از آنها برداشت شود. یکی از آن معانی این است که مؤمنین عمل گرا و عمل زده نیستند که بدون علم اقدام به عمل کنند؛ بلکه اعمال شان توأم با علم است. در مقابل، کسانی هستند که هر چند عبادات و کارهای خیر زیادی انجام می دهند؛ اما چون کارهایشان همراه با علم نیست، ممکن است گاهی در اثر نادانی و جهل رفتارهای نادرستی انجام دهند، به این خیال که کارشان خوب است.

وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ۱؛ در واقع ضرر چنین کسانی از منفعتشان بیشتر است. روایت معروفی از علی (ع) نقل شده که فرمودند: قَصَمَ ظَهْرِي عَالِمٌ مُتَهَيِّكٌ وَ جَاهِلٌ مُتَنَسِّكٌ ۲؛ دو نفر پشت مرا شکستند: عالمی که به علمش عمل نمی کند و جاهلی که بی علم به عمل اقدام می کند. بنابر این علم و عمل باید توأم باشد.

عالم باید به علم خود عمل کند؛ جاهل هم باید قبل از عمل، علم و اطلاعات لازم را کسب کند، یا در کار خود از عالمی تبعیت کند، در غیر این صورت ممکن است کار او مفاسدی را به بار بیاورد که ضرر آن جبران ناپذیر باشد. بر اساس این احتمال منظور حضرت امیر (ع) از قَدْ قَرَنَ الْعَمَلَ بِالْعِلْمِ این است که مؤمن، جاهل متنسک نیست؛ بلکه عبادت، سحرخیزی، شب زنده داری و سایر اعمال او همراه با علم و آگاهی است.

### چو کسب علم کردی در عمل کوش

در بعضی از روایات تعبیرات دیگری نقل شده که از آنها بیشتر چنین استفاده می شود که مخاطب آنها کسانی هستند که تحصیل علم کرده اند، اما به علمشان عمل نمی کنند. امیرالمؤمنین (ع) در جای دیگری می فرماید: الْعِلْمُ مَقْرُوبٌ بِالْعَمَلِ فَمَنْ عَمِلَ وَعَمِلَ الْعِلْمُ يَهْتَفُ بِالْعَمَلِ فَإِنْ أَجَابَهُ وَإِلَّا ارْتَحَلَ عَنْهُ ۳؛ علم همراه با عمل است و هر گاه علم پیدا شد، عمل را صدا می زند؛ یعنی عالم را دعوت به عمل می کند. اگر عالم این دعوت را اجابت کرد، فنعلم المطلوب. اما اگر عالم به این ندا پاسخ نداد و به علم خود عمل نکرد، علم کوچ می کند و می رود.

روایات دیگری نیز در جهت تشویق به عمل کردن به آموخته ها نقل شده است. از جمله: مَنْ عَمِلَ يَمَّا عِلْمَ كَفَى مَا لَمْ يَعْلَمْ ۴؛ یعنی اگر کسی به علمش عمل کند، خدا او را نسبت به آنچه نمی داند کفایت می کند. از ظاهر این روایات چنین استفاده می شود که منظور از علم در آنها علمی است که با عمل در ارتباط باشد.

شاید گفته شود که هر علم عملی متناسب با خود را می‌طلبد؛ حتی ریاضیات محض که ارتباطی با اعمال خارجی ندارد، اگر بعد از فراگرفته شدن، رها شود، فراموش خواهد شد. عمل کردن به آن، مرور، بحث و تدریس آن است. اما چنین مضمونی از مفاد روایاتی که نقل شد، استفاده نمی‌شود. ظاهر این روایات حاکی از علومی است که مربوط به عمل است؛ و انسان آنها را می‌آموزد تا بر اساس آموخته‌هایش عملی را انجام دهد که شرعاً، اخلاقاً و عقلاً ممدوح است؛ مثل فقه، اخلاق و... باب مفصلی در مجامع روایی وجود دارد که در آنها کسانی که به علمشان عمل نمی‌کنند با تعبیر گوناگون مذمت شده‌اند.

از جمله این روایت که رسول اکرم (ص) می‌فرماید: *مَنْ ارْتَدَّ عِلْمًا وَ لَمْ يَزِدْ هُدًى لَمْ يَزِدْ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بُعْداً ۵*؛ اگر کسی علمی را بیاموزد و در سایه این علم هدایت پیدا نکند، این علم جز دوری از خدا هیچ نتیجه‌ای برای او نخواهد داشت. از آنچه گفته شد می‌توان دریافت که مقصود حضرت امیر (ع) از مقرون کردن علم با عمل، علومی است که تکلیفی عملی را برای انسان بیان می‌کنند؛ به تعبیر امروزی علوم؛ ارزشی.

ملالت علما هم ز علم بی عمل است

کسی که چنین علمی را تحصیل کرده، گر چه نسبت به دیگری که این دانش را ندارد، یک گام جلوتر است، اما عمل نکردن به آموخته‌هایش باعث دوری او از خدا می‌شود. زیرا چنین کسی یا از ابتدای تحصیل علم قصدی غیر از تقرب به خدا داشته و یا در ادامه راه نیتش تغییر کرده و علم را فرا گرفته تا بتواند با دیگران بحث و مجادله کند، یا به واسطه علم خود به دیگران فخر بفروشد و یا هوس‌های شیطانی دیگر. یکی از دلایل مذمت چنین کسانی در روایت این است که آنها در پی هوای نفس و تبعیت از شیطان هستند و هر که دنباله‌رو شیطان شد، از خدا دور می‌شود.

علاوه بر این که آموختن این علوم برای عمل کردن به آنهاست. این علم نعمتی است که خدا به انسان داده و به این واسطه به او فهمانده که فلان عمل کار خوبی است و ثواب فراوانی از انجام آن نصیب انسان خواهد شد. اما اگر او به این علم عمل نکند، شکر این نعمت را به جا نیاورده؛ و آن را ضایع کرده است. در قرآن نیز به عنوان قاعده کلی بر این مسأله تأکید شده که: *لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ۶*؛ به واسطه کفران هر نعمتی آدمی مستحق عذاب خواهد شد. در این مورد اولین عذاب این است که عالم بی عمل از علمش محروم شود.

خداوند در حدیثی قدسی خطاب به حضرت داود (ع) می‌فرماید: *لَا تَجْعَلْ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ عَالِمًا مَفْتُونًا بِالذُّبْيَا ۷*؛ ای داود! عالمی را که شیفته دنیا است، واسطه بین من و خودت قرار نده. چون هدف از مراجعه به عالم نزدیک شدن به خدا با استفاده از علم عالم است.

اما عالمی که شیفته دنیا است انسان را به خدا نزدیک نمی‌کند؛ بلکه، *قَاتِ أَوْلِيكَ فَطَاغِ طَرِيقِ*؛ این‌ها راهزن‌اند و بندگان را از راه خدا دور می‌کنند و به بی‌راهه می‌برند. در ادامه این حدیث خداوند می‌فرماید: کم‌ترین عقوبت چنین عالمانی این است که آن‌ها را از حلاوت مناجات و یاد خودم محروم می‌کنم. این عقوبت دنیاگرایی و نتیجه این است که انسان به علمش عمل نکند؛ اما کدام علم؟ قطعاً منظور، علومی مثل پزشکی و مهندسی نیست. زیرا هدف از آموختن آنها گذران امور دنیا است و عیبی هم ندارد.

منظور از علم در این جا علم دین است. هدف کسی که علم دین می‌آموزد این است که ابتدا خودش و سپس مردم هدایت شوند. اما اگر او به علمش عمل نکند، خودش هدایت نمی‌شود، مردمی هم که از چنین کسی تبعیت می‌کنند، قطعاً هدایت نخواهند نشد.

در روایت دیگری نقل شده که عالم در جامعه حکم طبیب را دارد و اموال دنیا برای دین مانند بیماری است؛ پس اگر طبیبی دیدید که شیفته بیماری است، بدانید که نمی‌توان به او اعتماد کرد ۸. چگونه می‌توان به طبیبی که مبتلا به مواد مخدر است، اعتماد کرد، در حالی که وظیفه او جلوگیری از ابتلاء به این قبیل بیماری‌ها و مداوای مبتلایان است؟ عالم دینی که در پی کسب مال دنیا است، قابل اعتماد نیست؛ چون مثل طبیبی است که به جای مداوای بیماران در صدد بیمار کردن افراد جامعه است. از سوی دیگر عالمی که به علم خود عمل نمی‌کند الگوی منفی برای دیگران است. چون مردم که دین خود را از علما می‌آموزند؛ زمانی که ببینند خود علما به مواظبتشان عمل نمی‌کنند، نسبت به آنها بی‌اعتماد شده و گفته‌هایشان را جدی نخواهند گرفت.

در حدیث معراج نقل شده که هنگامی که پیغمبر اکرم (ص) در شب معراج بر جهنم مشرف شدند، دیدند زبان عده‌ای را با مقرض می‌برند.؛ آن حضرت از جبرئیل پرسیدند: این‌ها چه کسانی هستند و چرا زبان‌هایشان را می‌برند؟ جبرئیل عرض کرد: اینان واعظانی هستند که به حرف‌های خودشان عمل نمی‌کنند. قرآن نیز چنین کسانی را مورد عتاب قرار داده و می‌فرماید: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ \* كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ۹*؛ چرا آنچه را می‌گوئید، عمل نمی‌کنید؟ این کار

موجب غضب بزرگ خدا می شود.

در مورد این آیه این احتمال نیز هست که کسانی مورد عتاب واقع شده اند که به زبان ادعاهایی می کنند، ولی در واقع اهل عمل به آنها نیستند. کسانی که دوست دارند به اوصاف خوب و پسندیده شناخته شوند، دیگران از آنها تعریف و تمجید کنند، ولی اهل عمل نیستند؛ مثل منافقین که یَجِبُونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا<sup>۱۰</sup>. برخلاف بعضی از بزرگان که برای این که هیچ مرتبه ای از علم و قول بلاعمل در آنها نباشد، مقید بودند اول خودشان به موعظه هایشان عمل کنند، بعد از آن دیگران را به آنها توصیه کنند؛ مبادا مشمول آیه لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ شوند. یکی از مصادیق بارز این کار مرحوم آیت الله احمدی میانجی رضوان الله علیه بودند.

علم، نور الهی

معنای لطیف دیگری که برای فرمایش حضرت امیر (ع) می توان ارائه کرد این است که اگر شما به علم خود عمل کنید، خدا هم بر علم شما می افزاید و علم آنچه را نسبت به آن جاهل هستید؛ به شما اعطا می کند. مَنْ عَمِلَ يَمَّا يَعْلَمُ وَرَتَّهُ اللَّهُ عِلْمًا لَمْ يَعْلَمْ<sup>۱۱</sup>؛ برای توضیح این معنا ذکر مقدمه ای لازم است.

عنوان بصری زمانی که ۹۴ سال از عمرش گذشته بود و روایات فراوانی را از روایان مختلف، از جمله مالک بن انس فراگرفته بود، علاقه مند شد از محضر امام صادق (ع) نیز علوم را بیاموزد. ابتدا امام (ع) به او پاسخ منفی دادند. اما پس از مدتی که عنوان بصری با توسل به حضرت رسول (ص) و اصرار زیاد، مکرراً پیگیری کرد، روزی امام صادق (ع) به او اجازه شرفیابی داده و از او پرسیدند: از من چه می خواهی؟ عنوان در پاسخ گفت: در سنّ پیری آمده ام تا از علم شما استفاده کنم.

حضرت در پاسخ به او فرمود: لَيْسَ الْعِلْمُ يَالْتَعَلُّمُ إِلَّا مَا هُوَ تَوَرُّوْ يَقْعُ فِي قَلْبٍ مَنْ يُرِيدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَهْدِيَهُ<sup>۱۲</sup>؛ علمی که تو در پی آن هستی، با درس خواندن حاصل نمی شود. آنچه تو می خواهی، نوری است که خدا در دل هر کس لیاقت آن را داشته باشد، قرار می دهد. اگر دنبال چنین علمی هستی، اول حقیقت عبودیت را در دلت ایجاد کن و بنده خدا شو، تا خدا چنین علمی را به تو بدهد.

معنای فرمایش حضرت که می فرماید لَيْسَ الْعِلْمُ يَالْتَعَلُّمُ؛ این نیست که برای مهندس یا طبیب شدن باید خدا نوری را در قلب شما بیاندازد. برای فراگیری چنین علمی شخص باید به دانشگاه برود، در محضر اساتید درس بخواند، بسیاری از مسائل را در آزمایشگاه تجربه کند و هلیپ&hellip; تا مهندس یا پزشک شود. بلکه مقصود حضرت علم دیگری است؛ علمی که موجب سعادت آخرت می شود. حضرت به عنوان بصری چنین فرمودند، تا او تصور نکند با حفظ کردن چند روایت می توان به چنین علمی دست یافت. آموختن الفاظ و مفاهیم به تنهایی در انسان معنویت ایجاد نمی کند.

معنویت باطنی نورانیتی است که خدا باید در دل انسان ایجاد کند. اگر کسی این نورانیت را می خواهد ابتدا باید سعی کند بنده شود و حقیقت عبودیت را درک کند؛ قَاطِبُ أَوْثًا فِي تَفْسِيكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ. منظور از علم در این کلام امام صادق (ع) علوم عادی، حتی فلسفه و کلام و عرفان نیست. این علوم الفاظ، مفاهیم و اصطلاحاتی است که باید در کلاس درس و از استاد آموخت. علمی که موجب نورانیت قلب می شود و انسان را به خدا نزدیک می کند، از سنخ دیگری است. انسان باید ابتدا قلب خود را تصفیه کند، تا روح آمادگی و لیاقت چنین نورانیتی را پیدا کند. در این صورت خدا هم آن نور را در دل انسان می تاباند و آن هدایت را به او می بخشد.

از این مقدمه نتیجه می گیریم منظور حضرت امیر (ع) از قرین ساختن علم با علم، علوم مادی نیست؛ بلکه علمی است که نورانیت از آن ناشی می شود و انسان را به خدا نزدیک می کند. چنین علمی باید با عمل توأم باشد. خیال نکن هر چه بیشتر درس بخوانی، به خدا نزدیک تر می شوی! این مسأله کلیت ندارد. اگر مرد میدان عمل به آموخته هایت بودی، هر قدمی که به خاطر خدا برای کسب علم برداری، پرندگان هوا و ماهیان دریا برای تو استغفار می کنند<sup>۱۳</sup>. اما اگر آن نورانیت و اخلاص را نداشته باشی، و علم را برای دنیا و کسب مقامات دنیا بخواهی؛ لَمْ يَزِدْ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا. پس اول باید اهل عمل و تزکیه باشی و دلت پاک شده باشد، تا لیاقت آن علم و نورانیت را پیدا کنی.

۱. / کفف / ۱۰۴.

۲. بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۱۱، باب ۱۵، ذم علما السوء.

۳. نهج البلاغه، ص ۵۳۹، کلمه قصار ۳۶۶.

۴: بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۰، باب ۹، استعمال

العلم ۵: بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۷، باب ۹، استعمال العلم.

۶: . ابراهیم / ۷.

۷: بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۰۷، باب ۱۵، ذم علما السوء.

۸: ر. ک: بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۰۷، باب ۱۵- ذم علما السوء؛ الدِّينَارُ دَاءُ الدِّينِ وَ الْعَالِمُ طَيِّبُ الدِّينِ فَإِذَا رَأَيْتُمُ الطَّيِّبَ يَجْرُ الدَّاءَ إِلَى نَفْسِهِ فَأَتَّهَمُوهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ غَيْرُ تَاصِحٍ لِغَيْرِهِ&rlm;.

۹: . صف / ؛ ۲-۳.

۱۰: آل عمران /؛ ۱۸۸.

۱۱: بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۱۲۸، باب ۹۲.

۱۲: بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۴، باب ۷، آداب طلب العلم و أحكامه.

۱۳: ر. ک: بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۷۷، باب ۱، فرض العلم و وجوب طلبه و الحث&rlm;؛ عليه؛ مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ لِيَلْتَمِسَ أَبًا مِنْ الْعِلْمِ لِيَنْتَفِعَ بِهِ وَ يُعَلِّمَهُ غَيْرَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ يَكُلُّ خَطْوَةَ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ صِيَامَهَا وَ قِيَامَهَا وَ حَقَّتْهُ الْمَلَائِكَةُ بِأَجْحِزِهَا وَ صَلَّى عَلَيْهِ طُيُورُ السَّمَاءِ وَ حَيْتَانُ الْبَحْرِ وَ دَوَابُّ الْبَرِّ.